

میزبان ما گفت
آقای دکتر غنی
در بانک جهانی
کار می‌کند، استاد
دانشگاه هاروارد
است و بسیار
متخصص و آدم
خوبی است. به
نظر ما آقای اشرف
غنی می‌تواند برای
افغانستان رئیس
جمهور خوبی باشد

اساساً کمونیست بودند، تعلق بگیرد. به همین خاطر کودتای هفت ثور انجام شد و ما دیدیم که حزب مارکسیستی خلق در افغانستان قدرت را به دست گرفت. رئیس جمهور آن زمان آقای ترکی بود و بعدش هم دکتر نجیب آمد. بالاخره اتحاد شوروی تصمیم گرفت که ارتش سرخ را به افغانستان بفرستد که بزرگ‌ترین اشتباه دولت اتحاد شوروی بود، ۱۵۰ هزار نیروی تا بن دندان مسلح ارتش سرخ به افغانستان یورش بردند، علی‌الظاهر افغانستان را اشغال کردند، هدف اصلی این بود که افغانستان دیگر جزو خاک اتحاد شوروی شود، از جمله کشورهای وابسته به شوروی شود و بعد از آن به پاکستان بپردازند. اما شوروی‌ها نمی‌فهمیدند که مردم افغانستان، مردم سلحشور و جهادگری هستند، آنها به دین‌شان بسیار بسیار معتقد و وابسته هستند و حاضر هستند در راه دفاع از ارزش‌های دینی‌شان و دفاع از حریم مقدس خاک‌شان از جان‌شان بگذرند. دیدیم که شوروی‌ها به مشکل خوردند و ارتش سرخ نتوانست کشور را در قبضه خود نگه دارد، روز به روز مجاهدین قیام‌شان فراگیرتر شد و بالاخره روس‌ها مجبور شدند سرافکنده، شرمسار و شکست خورده از افغانستان بیرون شوند و آن برنامه‌ای را که داشتند که گویا خودشان را به آب‌های خلیج فارس و هند برسانند، ناکام شد، ارتش سرخ هم شکست خورد و متعاقبش هم دیدیم که امپراتوری به آن وسعت و قدرت اتحاد شوروی، به یمن ایمان همین مجاهدین پابره‌نه و مخلص از هم پاشید.

افغانستان بعد از تلاطم شوروی وارد یک اشغال دیگر شد و دوره‌ای موسوم به جمهوریت شروع شد. چه اتفاقی افتاد که برای خیلی از مبارزین آن روز، راه حل افغانستان، اشغال توسط امریکایی‌ها تصور شد؟

امریکایی‌ها در آن زمان معتقد بودند که دموکراسی به زعم فیلسوف امریکایی فوکویاما آخرین دیوار تاریخ است. آنها به این فکر بودند که دموکراسی را به کشورهای خاورمیانه و کشورهایی مثل افغانستان می‌آورند، به زور حاکم می‌کنند. البته از دید من ۱۱ سپتامبر، گروه‌های تروریستی و وجود اسامه بن لادن بهانه بود و آنها به دلایل استراتژیک به فکر سلطه در افغانستان بودند. امریکا قبل از یازده سپتامبر به فکر هجوم به افغانستان بود.

زمانی کنفرانس‌هایی داشتیم از شرکت تعدادی از خبرگان و سیاست‌پویان افغان در کشور قبرس که معروف شده بود به نام صلح قبرس. کنفرانسی دیگر در ژنو با مدیریت UN برگزار شد. از طرف قبرس من بودم و دوستانی که همراه من بودند و گروهی هم که در رم بودند از طرف شاه سابق. مدیریت کنفرانس به دست کسی به نام آقای وندرن، نماینده UN بود، از کشورهای مختلف، انگلستان، امریکا، کشورهای همسایه ما، پاکستان و ایران هم بودند. من خوب